

روزنامهچه سفر بختیاری (بازخوانی گزارش سفر جنگی شفیع خان قرباغی به بختیاری)

صمد کاوسی رکعتی

چکیده

با به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه قاجار و انتخاب امیرکبیر به عنوان صدراعظم، اقدامات قاطعی از سوی وی در راستای برخورد با ایلات سرکش صورت گرفت. یکی از این ایلات که در این دوره دچار اختلافات درون ایلی بود و شاکیان زیادی نیز به خصوص در بین تجار داشت، ایل بختیاری بود. بنابراین شفیع خان قرباغی (نایب آجودان) در سال ۱۲۶۶ قمری مأموریت می‌یابد تا با افواج و سواره و تدارکات لازم که جزئیات آن را در سفر جنگی خود شرح می‌دهد، به سرکوب طوایف بختیاری اقدام کند. این قشون‌کشی با هدف استرداد اموال مسروقه تجار و همچنین پایان دادن به اختلافات و کشمکش‌های درون ایلی و تثبیت قدرت اسماعیل خان در حکومت بختیاری صورت گرفت. روزنامهچه (گزارش) سفر جنگی مزبور که در اینجا بازخوانی شده است در آلبوم شماره ۴۹ مجموعه بیوتات سلطنتی و با شماره جانمایی ۲۹۵/۷۴۲۸ آورده شده است.

کلیدواژه‌ها

شفیع خان قرباغی (نایب آجودان)؛ ایل بختیاری؛ ایلات و عشایر؛ سفرهای جنگی.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۹؛ صص: ۶۸-۸۳

روزنامه‌چه سفر بختیاری

(بازخوانی گزارش سفر جنگی شفیع خان قرا باغی به بختیاری)

صمد کاوسی رکعتی^۱

مقدمه

ایل بختیاری از ایلات جنوب غرب ایران، در دوره قاجار همواره مایه دردسر شاهان قاجار بوده است که گاه برای سرکوب آنان مجبور به قشون‌کشی از میان راه‌ها و کوه‌های سخت‌گذر بختیاری می‌شدند. علاوه بر این، ایل مزبور همواره گرفتار درگیری‌ها و اختلافات درون‌ایلی و همچنین درگیری با ایلات همجوار بوده است که عمده اختلافات درونی آن‌ها بر سر ریاست ایل بود و در دوره پادشاهی محمدشاه قاجار و به‌خصوص پس از دستگیری محمدتقی‌خان چهارلنگ این اختلافات به اوج خود رسید. این درگیری‌ها پس از مرگ محمدشاه قاجار نیز ادامه یافت و اغتشاشات زیادی بین طوایف مختلف ایل اعم از هفت‌لنگ و چهارلنگ روی داد. به‌عنوان نمونه حسینقلی‌خان و فرزندان کلبعلی‌خان و حامی قدرتمند آن‌ها آقا علی‌داد خدرسرخ برای ریاست بر ایل دورکی، سال‌ها در رقابت بودند تا اینکه حسینقلی‌خان توانست اداره ایل را به‌دست گیرد و رقیبان خود را که به او پناهنده شده بودند، به قتل برساند. پس از این اتفاق، میرزاعلی‌پناه و میرزاعلی‌باز و آقا زمان که از بستگان کلبعلی‌خان بودند، گریخته، پناه به سلیمان‌خان سهام‌الدوله حکمران خوزستان بردند و پس از مشورت با سهام‌الدوله چنین رأی دادند که اسماعیل‌خان پسر حسن‌آقاخان را که رئیس اولاد فرج‌الله‌خان است به حکومت بختیاری منصوب و حسینقلی‌خان را معزول کنند (سردارزفر، ۱۳۶۲، ص ۵۷).

بنابراین کشته‌شدن آقا علی‌داد خدرسرخ و شکایت بستگان وی و همچنین آشوب‌های پیاپی پس از مرگ محمدشاه در بختیاری شامل طغیان طوایف مختلف و همچنین شکواییه

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام، کارشناس اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
Samad.kavoosi@yahoo.com.



تجار از راهزنی‌های برخی از طوایف بختیاری (میرزایی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸) و مهم‌تر از همه سیاست‌های سختگیرانه امیرکبیر نسبت به ایلات سرکش، قاجارها را بر آن داشت که جهت سرکوب طوایف یاغی ایل مزبور اقدام به اعزام قشون به نواحی بختیاری کند.

گزارش بازنویسی‌شده زیر شرح این قشون‌کشی به سرکردگی شفیع‌خان قراباغی (نایب آجودان) است که کمتر در منابع بدان پرداخته‌اند. فقط سردار ظفر پس از ذکر درگیری و شبیخون پدرش به اسماعیل‌خان در «تپه صولجان» و عقب‌نشینی آنان، می‌نویسد: «چند روز بعد شفیع‌خان نامی قجر برای بختیاری آمد مردم کم‌کم از دور پدرم پراکنده شدند کار اسماعیل‌خان بالا گرفت روزگار خوانین معزول سخت شد» (میرزایی، ۱۳۷۳، ص ۵۸). در ادامه به قصد جدایی احمدخسروی‌ها و پیوستن آن‌ها به اسماعیل‌خان اشاره می‌کند که «خبر آوردند شفیع‌خان قجر، خلیل‌خان و آقا بالی پدر آقاحیدر احمدخسروی را که پیری کهنسال بود گرفت» (میرزایی، ۱۳۷۳، ص ۵۸) و بنابراین احمدخسروی‌ها از پیوستن به اسماعیل‌خان منصرف شدند. حسینقلی‌خان پس از مدتی به سهام‌الدوله حاکم خوزستان پناه برد تا اینکه خانلرمیرزا احتشام‌الدوله به حکومت آنجا منصوب شد و حسینقلی‌خان هم مجدداً به حکومت بختیاری برگزیده شد.

این قشون‌کشی در سال‌های ۱۲۶۶-۱۲۶۷ق. صورت گرفته است و شفیع‌خان موفق به فتح کردن قلاع خوانین شورشی و وادار کردن آن‌ها به اطاعت از حکومت مرکزی شده است. در این گزارش اطلاعاتی در خصوص تجهیزات قشون اعزامی، غنیمت‌های گرفته‌شده از خوانین شورشی، فهرست مقصرین و محرکان اغتشاشات، فهرست املاک حسینقلی‌خان و مناسبات خوانین با هم آورده شده است.

در مورد میرزا شفیع‌خان نایب آجودان‌باشی نویسنده گزارش، اطلاعات چندانی در دست نیست و به احتمال قریب‌به‌یقین همان شفیع‌خان نایب آجودان است که از طرف امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ق. و احتمالاً بعد از این عملیات به‌عنوان مصلحت‌گزار (مستشار و کاردار) روانه لندن شد (آوری، ۱۳۷۳، ص ۵۲۸؛ لسانی، ۱۳۵۷، ص ۵).

روزنامه‌چه سفر بختیاری و جانکی شفیع‌خان قراباغی نایب آجودان پیاده است. روزنامه‌چه سفر اصفهان و بختیاری، این غلام‌جان‌نثار به تاریخ دوازدهم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۶۶ که از حضور مبارک مرخص شده لغایت هفتم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۶۷ که به رکاب مستطاب ظفر انتساب همایون مشرف شده است.

ورود [به] اصفهان در بیست و سیم شهر رجب‌المرجب حسب‌الامر یک ماه در آنجا توقف کرده سان قشون مأموری آنجا را با بازدید توپخانه و قورخانه مبارکه [که] از روی دقت بازدید کرده، صورت پا به مهر خدمت سرکار آجودان‌باشی فرستاد. از سان و بازدید به هیچ‌وجه



اغماض و چشم‌پوشی نشده هر وقت تبدیلی پیدا شد، مواخذ هستیم. بیست و سیم شهر شعبان المعظم از اصفهان حسب الامر با قشون و توپخانه مبارکه از قرار تفصیل ذیل به سمت چمن گندمان^۱ و بختیاری حرکت کرده است. قشون و توپخانه که پیش از ورود غلام به اصفهان همراه عالیجاه سیدمحسن خان سرهنگ در چمن گندمان بودند و بعد حسب الامر با غلام مامور شدند. توپخانه و قورخانه جمعیت عالیجاه سید محسن خان: توپ سه عراده، نه پوند [یک] عراده، شش پوند [یک] عراده، سه پوند [یک] عراده.

قورخانه: [سیاق] ۴۰ بار؛ توپچی و قورخانه‌چی: [سیاق] ۴۳ بار. فوج فیروز کوهی سواره عالیجاه سیدمحسن خان سرهنگ؛ سواره عالیجاه زین‌العابدین خان شاهسون: ۸۰ نفر؛ سواره افشار صائین قلعه جمعی عالیجاه رضاقلی خان: [سیاق] ۳۰ نفر؛ جمعی عالیجاه حاجی محمدرضا خان: سواره: [سیاق] ۱۲۰ نفر، پیاده: [سیاق] ۸۰۰ نفر؛ جمعیت فرستاده مقرب‌الخاقان سهام‌الدوله: اسمعیل خان حاکم بختیاری: [سیاق] ۲۰۰ نفر، سرباز لرستانی و گلپایگانی: [سیاق] ۳۰۰ نفر، سردار خان برادر اسدخان هفت لنگ: [سیاق] ۶۰ نفر. توپخانه و قورخانه که همراه غلام بودند:

توپخانه و قورخانه و غیره: توپ شش پوند: [یک] عراده؛ قورخانه: [سیاق] ۱۵ بار؛ توپچی و قورخانه‌چی: [سیاق] ۱۲ نفر؛ اسب توپخانه: [سیاق] ۱۰ رأس؛ آهنگر: دو نفر؛ نجار: [یک] نفر؛ سراج: [یک] نفر؛ (....) ۴ عدد؛ طناب: [سیاق] ۸ عدد؛ میل توپ: دو عدد؛ آهن و چرم هر چه مصرف شده از قرار قبض حاجی صادق بیگ نایب توپخانه مبارکه است. جمعیت که همراه غلام بودند:

فوج خلیج جمعی عالیجاه جان محمدخان سرهنگ، سوار شاطرلو جمعی عالیجاه نورالله خان: [سیاق] ۶۰ نفر؛ غلام و سواره ایروانی: [سیاق] ۱۲ نفر. تدارک که در این سفر به افواج داده‌ام:

فوج فیروز کوهی: بیل و کلنگ: [سیاق] ۳۰ عدد؛ ساج آهنی: [سیاق] ۱۰ عدد؛^۲ [یک] عدد؛ فوج خلیج: بیل و کلنگ: [سیاق] ۳۰ عدد؛ ساج آهنی: [سیاق] ۱۰ عدد؛^۲ [یک] عدد. آنچه از سایر بختیاری نزد غلام آمده در اردو بودند:

جعفرقلی پسر آقامحمد با برادرانش: [سیاق] ۴۰ نفر؛ فتح‌اله‌خان چهارلنگ: [سیاق] ۵۰ نفر؛ آقا زینل برادر مندی‌خان چهارلنگ: [سیاق] ۴۰ نفر؛ عباس‌خان برادر محمدتقی‌خان که در رکاب مبارک حاضر است: [سیاق] ۶۰ نفر.

اول به سر قلعه بروجن رفته چیزی که باعث شرارت اهل بروجن بود، یکی بودن اولاد صادق در آنجا، دیگر برج و قلعه آن‌ها و ثالث تفنگ اسباب داشتن رعیت آنجا بود. اولاد صادق

۱. گندمان از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری که در دوره قاجاریه از آن به‌عنوان چمن گندمان هم نام برده شده است.
۲. یک کلمه ناخواناست.
۳. یک کلمه ناخواناست.



مقید و دستگیر شدند، برج و قلعه آن‌ها منهدم و خراب گردید و موازی دویست و پنجاه قبضه تفنگ و یکصد تومان تنخواه تفنگ از رعیت آنجا گرفته، روانه دربار معدلت‌مدار گردید و بیست و چهار عدد گلوله توپ، تحویل حاجی صادق، نایب توپخانه مبارکه شد و پانصد رأس گوسفند و چهل و پنجاه جلد پنیر^۱ از مال اولاد صادق به دست آمد، به افواج و سواره و جمعیت بختیاری قسمت شد. صورت پا به مهر نزد سرکار آجودان‌باشی فرستادم و مختار نام که در اینجا مقید است، نوزده نفر شتر داشت دو نفر [را] این غلام به مصرف رسانید، هفده نفر داغ کرده، از آن مدت الی مراجعت در زیر قورخانه بود، هفت نفر در زیر قورخانه و بین راه تلف شده، داغ اسقاطی دارند و ده نفر به اینجا رسیده مال سرکار است. در باب املاک آن‌ها که حسب الامر ضبط شده محصول آن‌ها به موجب قبض سرهنگ و سرکرده به مصارف قشون رسید. مقصرین و املاک آن‌ها به موجب تفصیل ذیل است و هر چه در بروجن توقف قشون شده موافق قبض و برات سیورسات گرفته‌اند، قبض داده و هر چه در بروجن به این غلام رسیده در مأخوذی خود قلمداد کرده است.

مقصرین بروجن و املاک ضبطی آن‌ها:

مقصرین بروجن: کریم از قراول ابوالفتح سرهنگ فرار کرد، رضا در دعوی بروجن کشته شد، مختار برادرزاده کریم مقید است، حاجی تقی برادر، آقا زین‌العابدین برادر کریم، مشهدی تراب عمومی کریم، آقا بابا منسوب کریم، مشهدی قاسم، سیدعلی، چراغعلی، کربلایی حسین، علی اکبر.

املاک اولاد صادق:

بروجن: [سیاق] ۱۵ حبه، بقیه با مزارعات: شش دانگ، ... ۲ در محال سمیرم: ۶ دانگ، همگین: ایضاً ۳ دانگ،

قمیشلو^۲: ۳ دانگ، مزرعه عباس‌آباد: ۱۱ حبه، تنگ دزدان: ۳ دانگ، ندارد.

بعد از گذشتن عمل بروجن حسب الامر به تاریخ شهر رمضان المبارک اردو به محل قلعه چغاخور^۴ حرکت کرد، علت هرزگی و اغتشاش اهل آن صفحات، سختی همان قلعه و بودن حسینقلی خان و ایل احمدخسروی در آن مکان بود. جعفرقلی خان پسر اسدخان و خان باباخان برادر محمدتقی خان، در وقت حرکت اردو با جمعیت در چغاخور بودند و از حسینقلی خان حمایت داشتند. به خان باباخان از جانب اولیای دولت علیه کاغذ اطمینان نوشته، آدم فرستاد، تمکین نمود. از چغاخور یک دسته سرباز فیروزکوهی فرستادم، کوچید به طرف لنجان آمد، از اینجا به صلاحدید غلام روانه فریدن شد. عباس خان برادرش را با سی سوار روانه اردو نزد غلام نمود که الحال در دارالخلافه ملتزم رکاب مبارک است. جعفرقلی خان پسر اسدخان را در شکارگاه ملاقات کرده، از قبل اولیای دولت علیه امیدوار نمود.

۱. منظور بسته‌بندی پنیر در پوست گوسفند یا بز همک‌اندود شده است که سابقاً در بین ایلات رایج بود.
۲. یک کلمه ناخواناست.
۳. اصل: قمشلو، روستایی واقع در شهرستان دهاقان.
۴. اصل: چغاخور.



مرتضی‌قلی‌خان پسرش را گروهی و نوکر داد، به‌هیچ‌وجه اختلاف ننمود قلعه را خالی کرده، روانه گرمسیر شد و تعهد نمود که پسرش در رکاب مبارک نوکر شود. یکصد نفر سوار بختیاری قوجاق پادار روانه نماید و اگر حسینقلی‌خان به طرف قلعه دیز برود، بگیرد و به دربار معدلت‌مدار بفرستد. حسینقلی‌خان آن وقت نوعی اطمینان از اصفهان داشت، این غلام نیز مراقب شد، روانه اصفهان گردیده خیال فاسده دست داد، مراجعت کرده، گرفته‌شدن قلعه چغاخور را شنید، به اضطراب روانه گرمسیر شد. قلعه چغاخور حسب‌الامر منهدم و خراب گردید. ایل و طایفه دهات مفصله ذیل به تصرف اسماعیل‌خان حاکم هفت‌لنگ آمد. خوانین ایل احمدخسروی و طایفه حسینقلی‌خان مقید و گرفتار شد، بالمره رفع اغتشاش از آن سرزمین گردید و حسب‌الامر تقویت عمل اسماعیل‌خان به عمل آمد و بر ایل و طایفه مسلط و بر عمل خود مستقل شد. حکم بر ضبط محصول املاک مفصله ذیل شده بود. بر همه دهات چندی آدم و قراول تعیین کرد، اسماعیل‌خان تمکین بر ضبط نداشت مکرر شکایت به مقرب‌الخاقان سهام‌الدوله نوشت. سهام‌الدوله به کرات به این غلام نوشتند که ضبط املاک را موقوف دار، نوشتجات سهام‌الدوله را خدمت سرکار آجودان‌باشی فرستاد؛ به خط خود نوشت اگر چه حکم از دیوان اعلی بر ضبط املاک شده ولی سهام‌الدوله جمع گزاف بر دیوان گذاشته، کاسه را بر سر تو خواهد شکست. بر اسماعیل‌خان جمع بگذار، از قرار قبض حواله کن، از همان قرار به اسماعیل‌خان سپرده تمسک دریافت کرده، ده روزه سیورسات من جمیع‌الجهات از آن دهات موافق قبض سرهنگ و سرکرده دریافت شد. خود چغاخور، چمن بزرگ و مرتع خوبی است و آن دهات همه آباد و امسال نسق شده، اگر اول محصول آدم درستی مأمور شده ضبط نماید؛ محصول آن دهات و علف آن چمن به اردوی معظمی کفایت خواهد کرد. امسال اردو بی‌وقت آنجا رفته بود؛ از محصول و علف از ایلات بختیاری خرابی رسیده بود. پنجاه روز در آنجا توقف شد؛ ده روزه از آنجا سیورسات از قرار قبض گرفته، مابقی از چهارم‌حال حاجی محمدرضاخان رسانید. یک من از محصول آنجا از قشون و غیره بی حساب دست‌اندازی نکرده، قلیل تنخواه نقد جهت اخراجات غلام بی‌قبض به رسم تعارف اسماعیل‌خان از آن دهات داد، در ماخوذی خود قلمداد کردم.

مقصرین: خلیل‌خان عموی حسینقلی‌خان، نامدارخان خالوی حسینقلی‌خان، آقابالی خالوی حسینقلی‌خان،
میرگنجه لی، فداله، حیدر عرب، جره عرب، عباس، کوچک، حسین، محمدقلی، سوخته،
محمدآقا، آقا محمدعلی جعفر، عبدالرحیم.

املاک حسینقلی‌خان و غیره در چغاخور و پشتکوه از قرار نوشته عالیجاه اسمعیل‌خان حاکم هفت لنگ:

قریه ناغون [ناغان]، قریه شیخ محمود، قریه اورجون، قریه اردل، قریه گلوچرد، قریه روگر،



قریه چهارز، قریه کاج، قریه صولجان، قریه سنگچین، قریه ده نو، قریه سرتنگ ناغون [ناغان]، قریه زوردجان، قریه دستجرد، قریه فریدگان، قریه جعبان، قریه رستمی، قریه مریک، قریه دوپلان، قریه کمستان، قریه قلعه محمدیوسف، قریه چشمه پهن، قریه بیرگان، قریه دورک، قریه کلبی‌بک، قریه علاکو، قریه دشتک، قریه پشت‌بنده، قریه عالی‌قر، قریه سبزکوه، قریه معدن، قریه وستگان، قریه قلعه چغاخور، قریه جوزستان، قریه دوآب^۱.

امورات وارده در ایام توقف چغاخور و پس از امنیت آن سامان؛ فقره اول حضرات خوانین بختیاری ساکنین خانمیرزا^۲ از استماع انتظام بروجن و چغاخور مطلع گشته نوشتجات نوشتند که اردو به سمت خانمیرزا و جانکی نیاید؛ دو نفر صاحب‌منصب، یکصد سوار و پیاده بیاید آنچه اموال مسروقه تجار در نزد طوایف و سارقین است گرفته تسلیم خواهیم کرد. بنابر تعهد و متوحش نشدن آن‌ها عالیجاهان نورالله‌خان سرکرده شاطرانلو و دوست‌محمدخان یاور فوج خلج و اسماعیل‌خان حاکم را با چند نفر سواره و سرباز و جمعی تجار که آنجا بودند، فرستاد. قدری از مال تجار تسلیم نمودند بعد کوتاه انداختند. از سارقین طوایف و اوضاع آن‌ها اطلاعی که لازم بود بهم رسید در جزو به بهانه خدمت و شغلی همه روزه بالاستمرار ده نفر پنج نفر سرباز و سواره فشنگ داده روانه خانمیرزا نمود که جمعی در نزد آن‌ها مهیا و آماده گشته، پس از آن به نورالله‌خان و دوست‌محمدخان نوشتم محمدحسن‌خان بختیاری که مایه فساد کلی و اخلال امر بود، بگیرند. در یوم خلعت‌پوشانی عالیجاه اسماعیل‌خان حاکم هفت‌لنگ که حضرات خوانین و طوایف بختیاری همه جمع بودند، در همان مجلس محمدحسن‌خان را گرفته در گردنش زنجیر کرده و به پایش کنده گذارده و همان ساعت به غلام نوشتند به مجرد رسیدن این خبر عالیجاه سیدمحمدحسن‌خان سرهنگ را با چهارصد نفر سرباز از راه دیناران که راه صعب و دشواری است هفت منزل به ایلغار فرستاده به تنگ میلاس که راه عبور طوایف بختیاری است به سمت گرمسیرات و کوه‌گلوپه، مسدود نمایند. مشارالیه رفته در آن محل نشست. عالیجاه مقرب‌الخاقان ایل‌بیگی فارس که حسب‌الامر اولیای دولت علیه و به فرمایش نواب نصرت‌الدوله از فارس مأمور و به جمعیت و استعداد در سمیرم علیا توقف داشت، نوشتم یک دو منزل حرکت نموده به دهنه فلارد آمده، راه گریز و فرار آن طایفه مسدود شود. آن راه‌ها که محکم و مسدود شد، غلام با اردو از راه گندمان و گرد بیشه^۳ که بسیار صعب و ناهموار بود، عازم خانمیرزا گردید. انتظام امور آن صفحات و رفتن اردو به آن سمت از قرار است که به عرض حضور مبارک خواهد رسید.

فقره دوم در حین توقف چغاخور، پاره نوشتجات از اهل فریدن و آن صفحات از اغتشاش الهمپارخان چهارلنگ و علی‌خان تخماقلو که در فریدن بودند، رسید و جمعی نواب خانمیرزا از سمت بروجرد و سرکار سپهدار تفنگچی آدم به جهت رفع آن‌ها فرستاده بودند و مکرر به این

۱. روستاهای ذکر شده (که البته برخی از آن‌ها تبدیل به شهر شده‌اند) در شهرستان‌های بروجن، اردل، فارسان و کیار استان چهارمحال و بختیاری قرار دارند.

۲. اصل: خانه میرزا.

۳. اصل: کرده میشه، روستایی از توابع بخش گندمان شهرستان بروجن.



غلام در دفع آن‌ها و رفع اغتشاش آن سامان اظهار نمودند. به واهمه اینکه اغتشاش و شرارت آن‌ها به سایر جاهای بختیاری سرایت کند، محمودخان را با حاجی محمدرضاخان با یک‌عراده توپ شش پوند و جمعیت سواره و پیاده موافق تفصیل ذیل به آن سمت فرستاد.
توپ شش پوند بانضمام توپچی و قورخانه: [یک] عراده؛ سرباز: فوج خلج [سیاق] ۱۰۰ نفر؛ فوج فیروز کوهی [سیاق] ۱۰۰ نفر.
سواره‌ها:

از جمعی زین‌العابدین‌خان به همراهی پسرش: [سیاق] ۳۰ نفر؛ غلام تفنگچی جزو جمعی فیروز کوهی: [سیاق] ۲۰ نفر.

جمعی چهارمحالی که به همراهی محمدرضاخان بودند: سواره: [سیاق] ۱۰۰ نفر، پیاده: [سیاق] ۲۰۰ نفر؛ بختیاری: سردارخان و فتح‌الله‌خان و غیره: [سیاق] ۱۵۰ نفر؛ ندارد.
از رفتن توپ و جمعیت، الهیارخان فرار کرده، قلعه خربه [را] که درسرچشمه زاینده‌رود بنا کرده بود، منهدم ساختند. پس از آن به سر قلعه تخماقلو رفته به دو روز فاصله، قلعه به‌دست آمده و پاره قلعه‌جات که محل اغتشاش آن سرزمین بود، منهدم نمودند و قبل از ورود این جمعیت علی‌خان تخماقلو که باعث شرارت بود به طرف عربستان [خوزستان] فرار نموده بود. کوچ و عیال او را در فریدن سپردند. محبوس و تفنگ و باروت^۱ که از آن قلعه به‌دست آمده بود از قرار تفصیل آورده، در خانمیرزا به اردو رسیدند.

محبوس و سرب و باروت و تفنگ که در قلعه تخماقلو به‌دست آمد: محبوس: نه نفر، سپهدار نگاه داشته در اصفهان به جهت حساب ولایتی: سه نفر: یحیی، عزیز، بهرام؛ محبوس و مقید انبار: علی‌میرزا، علی‌داد، ابوالقاسم، موسی، نجفعلی، عبدالله.
سرب و باروت و تفنگ:

سرب تحویلی حاجی صادق بابت توپخانه: [سیاق] ۲۶ من؛ باروت تحویلی حاجی صادق در شلیک توپ مصرف شد: [سیاق] ۳۵ من؛ تفنگ: [سیاق] ۴۹ قبضه موجود است.
حرکت اردو به طرف خانمیرزا و جانکی به تاریخ ۲۱ شهر ذی‌ال[ال]قعدة الحرام و شرح حالات آن صفحات از قراری است که عرض می‌شود:

خانمیرزا بیلاقی است از طرف جنوب متصل به سمیرم علیا من محال فارس و به جانکی و جانکی متصل به کوه‌گیلویه، از طرف شمال متصل به گندمان و چهارمحال دو راه دارد که عبور قشون می‌شود؛ یکی از سمت سمیرم علیا که ایل بیگی آمده بود، به سهولت عبور قشون و توپخانه ممکن است؛ دیگر از گندمان که راه کرده‌میشه بسیار صعب و ناهموار است که این دفعه اردو و توپ به هزار مشقت از آن راه رفت. علت هرزگی آن طایفه‌جات اول سختی و ناهمواری آن راه‌ها است، ثانی گرمسیر و عربستان [خوزستان] نمی‌روند خود
۱. اصل: باروط.



جانکی گرمسیر است. در زمستان اهل خانمیرزا در جونکی [جانکی] قشلاق می‌کند، در بهار اهل جونکی در خانمیرزا بیلاق و سه طایفه‌اند: محمدحسن خان بزرگ ایل راک، موسی خان ریش سفید ایل برجویی و بابادی است و رستم خان رئیس جونکی و این سه نفر با همدیگر اقوام و در شرارت و هرزگی متفق می‌بودند. محمدحسن خان پسر سهراب خان که از آن دو نفر به اعظم بود، حسب الامر مقید و محبوس شد و ایل و طایفه و اولاد او اوایل نزد رستم خان بودند، بعد و فی الحال به علت قربانی که با اسماعیل خان حاکم بختیاری دارند نزد او جمع‌اند؛ او تعهد گذرانیدن عمل محمدحسن خان را دارد. جانکی و خانمیرزا دو بلوکنده، از ایل و سکنه یک‌هزار و چهل تومان مالیات دیوانی دارد و همه ساله حاکم بختیاری لاوصول قلمداد می‌کند. مقرب الخاقان ایل بیگی استدعا داشت که اگر این دو بلوک را اولیای دولت علیه جمع حاکم فارس نمایند دو هزار تومان علاوه بر مالیات پیشکش داده و متعهد نظم آنجا می‌باشم، چون ایل قشقای در خانمیرزا بیلاق دارد و متصل هم می‌باشد. دست رستم خان از جانکی و محمدحسن خان از خانمیرزا کوتاه شد و قلعه لردگان^۱ خراب شد. امسال اهل و طایفه آنجا زیاد صدمه خوردند، اگر جمع حاکم فارس شود ایل بیگی خوب می‌تواند آنجاها را نظم داده، از عهده مالیات و پیشکش آنجا برآمده و دفع موسی خان را نماید.

مقصرین طایفه محمدحسن خان که در انبار مقیدند:

خودمحمدحسن خان، باقرخان، علی میرزاخان، آقانوروزعلی، در راه مرده: یک نفر، مراد، جانباز، آقاعلی.

دهات خانمیرزا از مال موسی خان و محمدحسن خان تا اسامی دهات معین شده به عرض حضور مبارک رساند: [سیاق] پارچه.

موسی خان که ریش سفید طایفه بابادی و خانمیرزانشین است و از قبل سهام الدوله اطمینان داشت و دائم با اسمعیل خان حاکم بختیاری در اردو بود، به کرات نوشته‌جات سهام الدوله در سفارش او به غلام رسید که به نظر مبارک رسیده، آنچه از اموال مسروقه تجار موافق تقسیم و طومار نزد طایفه او بود، گرفته تسلیم تجار نمود. پسر و پاره [ای] از بستگان او که منشأ دزدی و فساد بودند، قبل از ورود اردو به کوه‌ها فرار کرده به دست نیامدند. خود موسی خان متعهد...^۲ شده به همان حالت ماند و قلعه‌جاتی که از آن‌ها محل شرارت بود، خراب نمود. هرچه اموال از ایلات قشقای سابق بر این برده بودند، پاره [ای] گرفته رو نمود، پاره [ای] را ایل بیگی گذشت نمود، عهدنامه ممه‌هور در میان ایل بیگی و آن‌ها در باب مرتع و پاره [ای] جاها که از سابق محل نزاع بود، قرار شد که من بعد به هیچ وجه تخلف از آن قرار ننمایند. اگر رأی مبارک قرار گیرد که خانمیرزا در دست محمدحسن خان و موسی خان و آن طایفه نباشد که بالمره رفع اغتشاش آن سامان شود از قراری است که عرض کرده‌ام.

۱. اصل: لوردگان.

۲. یک کلمه ناخواناست.



رستم‌خان پسر شاهرخ‌خان که بزرگ طایفه و رئیس جانکی است قبل از ورود اردو به خانمیرزا، چون حالت اغتشاش و شرارت خود را می‌دانست، آنچه ایلات و رعایای دهات جانکی بود از آب خرسان گذرانیده به کوه‌های صعب و سخت سمت کوه ریگ کشیده و خود با سواره و پیاده در بالای تنگ ریگ نشسته، در استمالت او زیاد کوشیده، عالیجاهان سیدمحسن‌خان و زین‌العابدین‌خان و اسماعیل‌خان و آدم معقولی از قبل ایل‌بیگی نزد او فرستاده بلکه متقاعد نموده بیاورند؛ چون محمدحسن‌خان همشیره او را داشت و ایل فراری او نزد رستم‌خان جمع شده بودند، جرأت آمدن اردو نکرده دو هزار تومان متجاوز مال منهویه تجار در نزد او بود. شال ترمه مسروقه را بعینها و مابقی را از قرار قیمت تجار، نقد به تجار کارسازی کرده، سیصد تومان به غلام تعارف داده که اردو به جانکی نرفته، التزام سپرده که بعد از این به هیچ‌وجه هرزگی و شرارت ننماید. به علت بی‌تمکینی او و کوتاهی در خدمات و ندادن گروهی و پیشکش، رفتن اردو و گوشمال‌دادن او لازم افتاد. مقرب‌الخاقان ایل‌بیگی نیز با جمعیت خود به اتفاق اردو و توپخانه مبارکه به جانکی رفته، قلعه لردگان که از سنگ و ساروج ساخته و از قلعه‌های قدیم و محکم بختیاری است، خراب کرده و پاره قلعه‌جات که محل شرارت آن سرزمین بود منهدم ساخته که در جزو تفضیل قلعه‌جات مخروبه عرض خواهد شد. چون جانکی رعیت‌نشین شلتوک زار و زراعت‌کار خوب است به ملاحظه رعیت و مالیات و مرغوبی مکان آنجا به خرابی راضی نشده، آنجا را به اسماعیل‌خان حاکم بختیاری سپرده قرار رسانیدن مالیات و انتظام آن صفحات را به او داده و متعهد شد که من بعد اگر رستم‌خان را بتواند بگیرد والا راه ندهد. شش روز توقف اردو در آنجا شد و چند نفر از مقصرین آنجا را آدم‌های عالیجاه ایل‌بیگی در تنگ میلاس گرفته و پاره [ای] هم در دهات از رعیت گرفته بودند. رعیت را به اسماعیل‌خان سپرده و مقصرین از قرار تفضیل تحویل انبار فراش‌خانه مبارکه شد.

مقصرین طایفه جانکی که ایل‌بیگی گرفت و دهات آن‌ها:

حسن‌خان، آقاماندنی، سبزعلی بیگ، نامدارخان، چراغعلی، در قراول مرده: [یک] نفر.
دهات رعیت‌نشین جانکی از مال رستم‌خان و رعیت که معین شده: [سیاق] ۴۲ پارچه.
در این ایام توقف جانکی، آنچه سیورسات قشون از جنس رستم‌خان به مصرف رسید و از باغات و غیره به علت بودن جمعیت زیاد اندک صدمه به آنجا رسید؛ اگر چنانچه در عمل آن دو بلوک عرض شده رأی مبارک علاقه بگیرد، انتظام خواهد یافت. بعد از فراغت از عمل جانکی و خانمیرزا و انتظام امر آن صفحات عالیجاه ایل‌بیگی با جمعیت خود از راه سمیرم علیا معاودت به طرف فارس و غلام با اردو مراجعت به سمت گندمان نموده، پانزده روز سمت گندمان و بروجن توقف شد؛ به علت سردی هوا و عدم سیورسات اردو عسرت داشت. از همان‌جا اردو را به سمت لنجانان حرکت داده خود غلام برای استحکام راه‌ها، عالیجاهان

۱. اصل: با.



زین‌العابدین‌خان شاهسون و نورالله‌خان و سواره جمعی آن‌ها الی ایزدخواست^۱ که حد سنور فارس باشد، رفته، انتظام آن راه‌ها را از قراول و تفنگچی داده، زین‌العابدین‌خان را با یکصد نفر سوار جمعی خود در اسفرجان^۲ مستحضر گذاشته از اسفرجان الی‌خان‌خوره^۳ که خاک فارس و معبر دزدگاه بختیاری است، به او سپرده فقرات را عریضه به نواب مستطاب نصرت‌الدوله حکمران فارس عرض نمود که از قبل نواب والا یک نفر سرکرده پنجاه سوار بر سر راه مأمور شود و اگر زین‌العابدین‌خان و سواره‌اش در مقام لزوم به خاک فارس سر راه‌ها عبور نمایند موافق دستورالعمل دیوانی جیره [و] علیق داده، قبض بگیرند. نواب والا نظر به عرض غلام از چپار رقم سیورسات عرض راه به عهده زین‌العابدین‌خان نوشته و میرزا قاسم‌خان یوزباشی را با پنجاه نفر سواره بر سر راه مأمور فرمودند تا به اصفهان همراه خزینه فارس آمد. قرار راه‌ها را چنانچه لازم بود به زین‌العابدین‌خان و مأمورین نواب نصرت‌الدوله درست حالی کرده، در بیست و سوم شهر ذی‌الحجه الحرام در اصفهان به اردو رسید. هجده روز اردو و توپخانه مبارکه در همان حالت اردوگری باقی بود تا اینکه حکم مرخصی افواج و احضار غلام رسید. چند روز دیگر به راه‌انداختن افواج و محبوسین و ناتمامی امور غیره پرداخته، در بیست و سوم محرم حسب‌الامر از اصفهان بیرون آمده، هفتم شهر صفر شرفیاب خاکپای مبارک گردید.

قلعه‌جاتی که در مأموریت این قشون خراب شد:

قلعه چغاخور، قلعه بروجن، قلعه لردگان جانکی، قلعه قائد علی‌اکبر، قلعه کردساجی، ملکی موسی‌خان، قلعه علی‌میرزاخان برادر موسی‌خان، قلعه اردل، قلعه رستم‌خان جانکی.

در سمت فریدن از طایفه چهارلنگ:

قلعه تخماقلو، قلعه اللهیار خان، قلعه شاه عنایت، قلعه سواران.

روزنامه‌چه از قرار معروضه فوق است و این چند فقره عرایض در احوالات صفحات بختیاری و ناتمامی و لازمه امورات آنجا:

اولاً انتظام بختیاری ...^۴ بختیاری هست. اگر چه پنجاه نفر از خوانین و سربلکان آن طایفه یا محبوس ابدی یا کشته شوند، اگر با اینها می‌بود امسال حسب‌الامر از [ما] موریت این قشون فوق این به عمل آمده و گوشمال داده شده، نظم خواهد گرفت. انتظام بختیاری آنچه مطبوع رأی مبارک است، نوکر از بختیاری است که یک فوج سرباز و پانصد نفر سواره خوب گرفته از پسران خوانین چه در میان فوج چه سواره صاحب‌منصب و سرکرده شود والا اینها که شد و می‌شود گوشمال است.

به حاکم و مأمور بختیاری امر و مقرر شود که از بزرگان و خوانین طایفه بختیاری پاره اینکه به حبس و قراول نگاه داشته یا به دربار معدلت می‌فرستد یا در حالت اطمینان نگاه دارند یا به امیدواری روانه دربار معدلت‌مدار نمایند که این طایفه آنچه این غلام فهمید در اطمینان

۱. اصل: ایزدخاص.

۲. روستایی از توابع بخش مرکزی

شهرستان شهرضا.

۳. اصل: خان‌خوره، روستایی از توابع

شهرستان آباد.

۴. یک کلمه ناخواناست.

زیاد از اینها خدمت از آنها به عمل می‌آید و امن و آرام می‌شود، ولی نفع و تسلط حاکم در وحشت و فراری اینها است که هر چه دارند ضبط کنند و در معامله دیوان مالیات را سوخت و لاوصول قلمداد می‌نمایند و به این واسطه همیشه آنها متواری و روگردان و حاکم از مالیات و بی‌نظمی عذر تراش خواهد شد.

اولاً در باب محمدحسن‌خان که مقید است از همه خوانین بختیاری در اولاد و طایفه معتبرتر است اسماعیل‌خان به جهت قرابت او با برادر و پسران محمدحسن‌خان بعد از مراجعت اردو از سفر به حوالی اصفهان با جمعیت آمدند که ...^۱ به عمل او نمی‌آیند، گفتگو در این باب به استحضار عالیجاه چراغعلی‌خان بسیار شده چون نصرالله‌خان پسر مرحوم امین‌الدوله همشیره زاده محمدحسن‌خان را دارد و حاجی کلبعلی‌خان نیز به او منسوب است، در اصفهان به اطلاع حاجی عبدالغفور و حاجی محمدعلی تاجر تبریزی قرارش شد که محمدحسن‌خان در همان حالت حبس با کنده و زنجیر در اصفهان بماند. گودرزخان پسر او را این غلام با هزار تومان پیشکش نقد و یک رأس مادیان عربی به حضور مبارک آورده، چهل روز الا دو ماه کسان محمدحسن‌خان از عهده مال تجار تمام و کمال برآیند. شفیع‌خان برادرش و یک صد نفر نوکر، به دربار همایونی آمده، پسرش و برادرش در رکاب همایون باشد، بعد از انجام این خدمت و تعهدات محمدحسن‌خان مرخص شده و به خانمیرزا هم نرود، به هر جا امر و حکم شود سکنی بگیرد و به هر خدمتی مامور شود، انجام دهد. چون حکم صریح در آمدن او به دربار همایونی نشده بود، به عالیجاه چراغعلی‌خان هم شور کرده صلاح در آوردن دیده شد، آوردیم، حال نیز گویا کسان محمدحسن‌خان انتظار همان وعده‌ها را داشته و از عهده آن تعهدات برمی‌آیند، امر با اولیای دولت قاهره است. ثانی جعفرقلی‌خان پسر اسدخان از قراری که این غلام فهمید، علی‌العجاله نزد حکام نمی‌آید، به علت اینکه هر وقت به اطمینان نزد هر حاکم رفت، گرفتند و خسارت کلی زدند. به این جهت از در خانه آمدن وحشت دارد، ولی آنچه در اینجا حکم و مأمور خدمتی شود به انجام رسانیده و هیچ وجه هرزگی نخواهد کرد حسینقلی‌خان پسر بزرگ خود را با هر قدر سوار حکم شود به دربار معدلت خواهد فرستاد. مرتضی‌قلی‌خان پسر کوچک او را به دربار همایونی فرستاده، استدعا دارد نوکر و تربیت شود. هر قدر سوار و از اقوام او لازم باشد بی‌مضایقه روانه خواهد کرد؛ تا به مرور اطمینان به هم رسانیده، بیاید. هرچه در باب او رأی مبارک علاقه گیرد و حکم شود باید به اتفاق حسینعلی‌بیگ غلام سرکار نوشت و روانه کرد. ثالث در باب حسینقلی‌خان که غلام مکرر نوشت که علت ایستادگی و شرارت او، سختی قلعه چغاخور و بودن ایل احمدخسروی است؛ رفع این دو فقره که شد، لاعلاج به اردو خواهد آمد یا نزد سهام‌الدوله خواهد رفت. چاره منحصر شده نزد سهام‌الدوله رفته است، حکم شود که به دربار همایونی بیاورند. بودن حسینقلی‌خان در درب خانه هر قراری و نظم به امر بختیاری

۱. یک کلمه ناخواناست.



بفرمایند به رجوع او عمل خواهد آمد والا به‌طور حبس و گروهی هم باشد، بودن او به دربار همایون صلاح است. رابع در باب بروجنی‌ها اگر کریم چنانچه دستگیر بود، می‌شد، بالمره رفع اغتشاش آنجا و دفع شرارت آن اولاد شده بود، حال چند نفر از اولاد صادق از برادر و منسوب کریم در انبار مقیدند این طایفه به دولت زیاد مشهورند و هرچه دارند در سمیرم و قمشه سپرده است. آنچه املاک آن‌ها بود چون سرکار سپهدار هم از بابت مالیات دیوانی مطالبه داشت به محمودخان رجوع کرده بود. املاک ضبطی در دست محمودخان بود محصول آنجا از قرار قبض سرهنگ و سرکرده به صرف سیورسات قشون رسیده، باید مشارالیه از عهده محاسبه آنجا برآید و قلیل تنخواه از مال مقصرین آنجا به غلام رسیده در فرد مأخوذی خود نموده‌ام. بیست نفر از شترهای کریم، سرکار سپهدار ضبط کرده، دارد و هر چه اموال آن‌هاست با وجود حکم مطالبه نکرده که شاید رضاقلی‌خان برادر سپهدار محرک بشود؛ خلق به مقام شکوه و شکایت آمده، منافی رأی مبارک آید و مختار و حاجی‌تقی که محبوس‌اند در اصفهان دو هزار تومان پیشکش و تعارف و ضامن معتبر دادند و من بعد هم در حالت رعیتی بوده، شرارت نمایند. فدوی جرأت خلاصی نکرد، الان هم در آن عهد می‌باشند امر با اولیای دولت علیه است. خامس در باب خان‌باباخان برادر محمدتقی‌خان و آمدن او به دربار معدلت‌مدار حرفی نیست، کمال اطمینان را از اولیای دولت علیه دارد و عباس‌خان، برادرش را به امیدواری به حضور مبارک فرستاده، اگر رأی مبارک از بختیاری نوکر گرفتن است، خان‌باباخان متعهد است [اگر] جانکی گرمسیر که سابق با آن‌ها بود، مرحمت شود، پانصد سرباز و یکصد نفر سوار پادار داده، دایم خود با برادرش ملزم رکاب مبارک باشد و الا ولایت او را واگذار نفرمائید، یکصد نفر سوار می‌دهد. اگر به رکاب مبارک احضار شود، خواهد آمد یا به خدمت حاکم عربستان [خوزستان] مأمور شود، خواهد رفت. تعلیقه علی‌العجاله به عهده نواب مستطاب خانلمیرزا مرحمت شود متعرض خان‌باباخان و کسان او نباشد تا من بعد به هر چه رأی مبارک قرار گیرد معمول خواهد شد.

جعفرقلی‌خان پسر آقامحمد همگینی این دفعه بسیار خوب خدمت کرد خود و پسر و برادرانش با پنجاه سوار رفتن غلام به صفحات بختیاری الی مراجعت از سفر در همه‌جا همراه اردو خدمتگزار^۱ بودند. پسرش آقاقلی با غلام به دربار همایون آمدنی بود، از اصفهان فرستادم تدارک دیده بیاید، نرسید. هروقت باشد به دربار همایونی خواهد آمد و به‌هیچ‌وجه خلاف ندارد. هرچه هم از طایفه آن‌ها اهل شر و هرزه داشت این دفعه ترک هرزگی کرده به‌درستی در مقام خدمت برآمدند. طرف گندمان را به آن‌ها سپرده که از دزد و دغل متوجه باشد، پنجاه نفر سوار داشت، یکصد تومان نقد داده که درست به استحقاق راه‌ها مشغول شود. فقره به عرض اولیای دولت قاهره برسد هر قراری که به امر آن‌ها بفرمائید معمول شود. در

۱. اصل: خدمتگذار.



باب خلیل‌خان و سایر احمدخسروی‌ها، اگر رأی مبارک قرار گیرد و نوکر گرفتن بختیاری چند نفر اقوام حسینقلی‌خان است در میان گروهی‌ها باشد که خدمت صفحات چغاخور از اینها بسیار خوب بر می‌آید و یکصد سوار خوب می‌توانند بدهند که دایم در رکاب مبارک خدمت‌گذار شوند و هر چه املاک در چغاخور دارند در جزو املاک متصرفی اسماعیل‌خان ضبط است و زیاده دولت و اموال از اینها به تصرف اسماعیل‌خان و برادران او آمد، مقتضی وقت نشد دریافت شود. درباب اموال و املاک خود آن‌ها هر چه رأی مبارک قرار گیرد مختارید.

در باب مقصرین فریدن که از قلعه تخماقلو آورده‌اند دزد مقصر هست، در آن قلعه تفنگچی بوده‌اند چون به اردو به‌طور حبس آوردند و غلام از ورود بختیاری الی مراجعت به‌هیچ‌وجه محبوس و مقصر بی‌اجازه اولیاء دولت علیه رها نکرد، آن‌ها را نیز از این بابت آورد حکم با اولیای دولت قاهره است.

در باب مقصرین جونکی [جانکی] اینها نیز در تنگ میلاس از تفنگچیان رستم‌خان بوده، عالیجاه ایل‌بیگی گرفته بود، دزد نبوده است حکم با سر کار است. در باب مال تجار آنچه گرفته شد، به صاحبان مال رسید از قرار طومار پا به مهر حضرات تجار و علما که به‌نظر مبارک خواهد رسید. آنچه مال بلوکات از اقمشه و احشام از فارس و اصفهان به تراج بختیاری رفته بود و صاحبانش از هر جا آمد، استرداد شده عاید صاحبانش گردید؛ قبض آن‌ها را عالیجاه مقرب‌الخاقان ایل‌بیگی جهت سند خود به حضور نواب نصرت‌الدوله برد و هر چه خود از بابت ایلات قشقایی با حضرات بختیاری ادعا داشت، گذرانید و آنچه از مال تجار از قرار طومار در نزد هر طایفه باقی است، همان اشخاص مقید و در انبار محبوس‌اند، حکمش با اولیای دولت قاهره است. این دفعه طرق و شوارع از قطاع طریق پاک و خلق آن صفحات از شر اشرار آسوده و ایمن شدند و کمال امن و امان حاصل شد، تحصیل دعاگوئی بر عمر دولت جاوید مدت پادشاه جمجاه روحی و روح‌العالمین فداه و به جناب جلال‌ت‌مآب ولی‌النعم اتابک اعظم روحی فداه حاصل گردید. روزنامه سفر و عرایض مفصله فوق به قراری است که از روی صدق و درستی به عرض مبارک رسید، آن چه در هر فقره به رأی مبارک قرار گیرد؛ امر، امر عالی است.

در باب گنجعلی‌خان بختیاری نواب مستطاب نصرت‌الدوله حکمران مملکت فارس رقمی به غلام نوشته بودند که گنجعلی‌خان در فلاقه ابرقو سکنی دارد؛ پاره‌ای از اشرار بر سر خود جمع کرده، بنای شرارت و به بلوکات و نیز راه یزد دست تطاول دراز دارد. عالیجاه مقرب‌الخاقان فضل‌الله‌خان میرپنجه حسب‌الامر اولیای دولت علیه مأمور فارس است، ورود اصفهان دو عراده توپ و قدری سوار همراه عالیجاه معزی‌الیه بکند که فلاقه سر راه است، گنجعلی‌خان تنبیه و گوشمال داده شود. زمانی که این چاپار و رقم نواب والا به غلام رسید، میرپنجه از اصفهان گذشته در ایزدخواست که اول سنور فارس است رسیده بود. رقمی نیز به



همین مضمون به عهده میرپنجه صادر بود، مصحوب چاپار رقم را رسانید و اظهار نمود اگر بتواند تا رسیدن ایشان به سمت فلاقه توپ و سوار برساند. شرحی در این باب به غلام نوشته بود، همان کاغذ را با رقم نواب نصرت‌الدوله جوف طومار گذارده به نظر مبارک برسد، چون غلام حسب الامر احضار بودم، مجال تنبیه و گوشمال به آن‌ها نشد و در آن سامان بنای هرزگی دارد؛ امر با اولیای دولت علیه است.

تصدقت شوم روزنامه سفر بختیاری در شرح حال هرکس و هر سامان اجمال از قرار است که به عرض مبارک رسانیده، تفصیل این فقرات از عهده تحریر بیرون است، آنچه از این فقرات محل اشتباه باشد مقرر شود زبانی به عرض مبارک رساند، این قدر جسارت به عرض می‌شود اگر رأی مبارک بر نظم و آرامی صفحات بختیاری قرار گرفته باشد، به‌طور سهولت نظم و آرام گرفته، هیچ‌کدام از خوانین و رؤسای بختیاری در حالت نظم و اطمینان از دربار معدلت‌مدار و از حضور مبارک روگردان و متواری نیستند. نوکر و سرباز می‌دهند، به در خانه می‌آیند، یک شاهی مالیات دیوان لاوصول و سوخت نمی‌شود؛ بل مداخل و منفعت می‌توان برد والا به کشتن و بستن و فرار دادن فایده به احوال این طایفه نخواهد کرد. پاره عرایض اگر رأی مبارک قرار گیرد خواهد کرد؛ بعد از آن امر امر عالی است. [مهر]: محمد شفیع

نتیجه‌گیری

با به‌قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه و انتخاب میرزاتقی‌خان امیرکبیر به‌عنوان صدراعظم، یکی از اقدامات پرشماری که از سوی این صدراعظم صورت گرفت مقابله با ناامنی‌های ایجادشده از سوی ایلات بود. ایل بختیاری نیز در این زمان دچار اختلافات و درگیری‌های درون‌ایلی و رقابت بر سر قدرت بود و از طرفی تجار از ناامنی در راه‌ها شکایت داشتند و برخی از طوایف بختیاری را مسبب این امر می‌دانستند. بنابراین در سال ۱۲۶۶ قمری شفیع‌خان قراباغی (نایب آجودان) مأموریت یافت تا با پایان دادن به این اختلافات و تأمین امنیت آنجا و همچنین تثبیت قدرت اسماعیل‌خان حاکم بختیاری، اموال مسروقه تجار را نیز مسترد دارد. طبق گزارش او که در اینجا بازخوانی شده وی توانسته مأموریت خود را با موفقیت به پایان برساند. این گزارش از منظر پرداختن به جزئیات تدارکات و ملزومات نظامی یک سفر جنگی در دوره قاجار، مناسبات خوانین بختیاری با هم و همچنین با حکومت مرکزی و سیاست عشایری قاجارها می‌تواند حائز اهمیت باشد.



منابع

- آوری، پیتیر (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران.
- سردار ظفر بختیاری، خسروخان (۱۳۶۲). *یادداشتها و خاطرات*. به کوشش س. وحیدنیا. تهران: فرهنگسرا.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷). *طلای سیاه یا بلای ایران*. تهران: امیرکبیر. چاپ دوم.

